

از مدیریت جنگ تا آمادگی برای تداوم تحریم‌ها دولت در خط مقدم خدمت‌رسانی به مردم

وقتی اقتصاد دیجیتال در ایران قربانی تنش‌های منطقه‌ای می‌شود سایه سنگین نااطمینانی بر سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات

صفحه ۶

صفحه ۲

«تعادل» شرایط بازار سهام را بررسی می‌کند

بورس در آغما

حمایت به صورت تدریجی انجام خواهد شد. بازار سهام دو هفته تعطیل بود، چرا مدیران سازمان بورس برنامه حمایتی در این مدت ارایه نکردند؟ مگر وظیفه مدیران سازمان بورس حفظ صیانت بازار سرمایه نیست؟ چرا در روزهای سخت پای خود را کنار کشیدند و کاری برای بازار انجام نمی‌دهند. در اصل سازمان بورس باید خیلی پیش‌تر از این موضوعات به فکر بورس بود و اجازه نمی‌داد این ریزش‌های سنگین را تجربه کند. اکنون زمان ترمیم بازار نیست، رئیس سازمان بورس عقیده دارند که در این

صفحه ۴ را بخوانید



با شروع تنش‌های نظامی در کشور بورس تهران تعطیل شد تا جلوی ضرر و زیان سنگین سهامداران گرفته شود؛ اما این تعطیلی جوابگو نبود و سرمایه‌گذاران بیشترین زیان را تجربه کردند و خروج نقدینگی از بازار سهام نیز ر کورده‌شکن بود. این در حالی است که انتظار می‌رفت مدیران و مسوولان از بورس حمایت کنند، اما مدیران سازمان بورس و وزیر اقتصاد پس از چند روز ریزش سنگین و نزدیک شدن بسیاری از سهام به کف قیمتی به تازگی به فکر حمایت از بازار افتاده‌اند و عقیده دارند که این

یادداشت - ۱

ضرورت‌های اقتصاد در شرایط جنگی

اصولا رویارویی و مقابله با دشمن در عرصه‌های نبرد ابعاد و زوایای گوناگون نظامی، اقتصادی، اجتماعی، رسانه‌ای و... دارد. یک وجه بر جسته و نمایان این نوع هم‌اوردی‌ها در صحنه میدانی جنگ ظهور و بروز پیدا می‌کند و توفیق در آن نیازمند اتخاذ تاکتیک‌های دفاعی و تهاجمی مناسب است. به‌طور کلی معتقدم در شرایطی که کشورها با بحران‌های پیرامونی از جمله بحران جنگ، بحران‌های طبیعی، زلزله و سایر تهدیدات مواجه می‌شوند، اقدامات خاصی باید از سوی تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران در دستور کار قرار بگیرد. ایران از ابتدای دهه ۹۰ خورشیدی با تحریم‌های اقتصادی فزاینده مواجه بود. تحریم‌هایی که باعث شدند شاخص‌های اقتصادی کشور در وضعیت نزولی قرار گرفته و نوسانی شوند. اتفاقی که در این جنگ ۱۲ روزه رخ داد این بود که مشکلات اقتصادی ایران که در زمان تحریم‌ها شکل گرفته بودند شدت پیدا کردند. قبل از جنگ ۱۲ روزه، اقتصاد ایران تحریم بود، درآمدهای نفتی باز نمی‌گشت، در فروش نفت مشکل داشتیم، نقل و انتقال بانکی برای ایران دشوار بود. برای مقابله با این مشکلات ایران سیاست‌هایی اتخاذ کرد و تصمیماتی گرفت تا فشار تحریم‌ها کاهش یابد. برای کم‌اثر کردن تحریم‌ها، ایران تغییر رویکردهای تجاری، جهت‌گیری‌های اقتصادی، تغییر مبادی و مقاصد تجاری و... در دستور کار مسوولان قرار گرفت تا فشار به مردم و اقتصاد کاهش یابد. در زمان جنگ در کنار این تدابیر و تصمیمات ضروری که در زمان تحریم‌ها نیاز است، اقدامات مکملی هم باید در دستور کار قرار گیرد تا تکانه‌ها کمتر شود. احتیاط بیشتر در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در زمان جنگ یک ضرورت است. لازم است اقدام اساسی مورد نیاز مردم از سوی دولت تأمین و تضمین شود. از همچنین دولت‌ها در چنین مواقعی باید مراقب باشند تا دهک‌های دارو و ترنومد منابع و کالاها را به صورت انحصاری در اختیار نگیرند، منابع باید بین همه مردم عادلانه توزیع شود. در کنار همه این موارد، باید سعی کرد به گونه‌ای سیاست‌گذاری شود که فعالان اقتصادی تشویق شوند و به فعالیت‌های روتین خود ادامه دهند. دولت باید از بنگاه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی حمایت کند تا کارفرمایان کارگران خود را تعدیل نکرده و به تولید خود ادامه دهند. گزاره‌های دیگری هم که در شرایط عادی دارای اهمیت هستند در زمان جنگ اهمیت خود را از دست می‌دهند. برخی موضوعات چون ناترازی بودجه، ناترازی بانکی، افزایش نقدینگی و... موردی هستند که در زمان جنگ اهمیت کمتری پیدا می‌کنند. اولویت‌ها هم در زمان جنگ متفاوت می‌شود. تأمین نیازهای اساسی و ضروری مردم، تأمین نیازهای لازم برای برتری در میدان نبرد و تأمین سوخت مورد نیاز مردم از این دست موارد کلیدی هستند. دولت در شرایط جنگی باید مراقب افراد و جریاناتی باشد که به دنبال سواستفاده از شرایط هستند. بخشی از ستون پنجم دشمن شاید سعی کنند با بحرانی جلوه دادن وضعیت اقتصادی، آرامش جامعه را به هم بزنند که لازم است نظارت جدی برای جلوگیری از فعالیت‌های این افراد اعمال شوند. همچنین برخی افراد، بنگاه‌ها و خانواده‌ها در زمان جنگ با آسیب‌های جدی جسمی، مالی و روانی مواجه می‌شوند. باید از این افراد، خانواده‌ها و بنگاه‌های اقتصادی حمایت‌های ویژه‌ای شود و تسهیلات بیشتری در اختیار این طیف قرار گیرد. ممکن است خانواده‌ای پدر یا سرپرست خانواده خود را به دلیل حملات تروریستی و بمبگذاری‌ها از دست بدهند یا کارخانه و بنگاه اقتصادی و خانهای در اثر حملات دشمنان آسیب ببیند باید از این اقشار حمایت ویژه‌ای شود تا احساس کمبودی نداشته باشند.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت - ۲

جنگ، دولت و بخش خصوصی

کشور با تهدیدهای زیادی مواجه بوده و جنگ هم امنیت و بقای اقتصادی کشور را هدف خود قرار داده است. اما در این شرایط هم‌افزایی و تعامل موثر دولت و بخش خصوصی می‌تواند نقش آمادگی بالای دفاعی نیازمند سرمایه‌گذاری‌های مناسب است.

۲) کالاهای اساسی و اقلام مصرفی و سوخت باید به صورت مناسب تأمین شده و به دست مردم برسد. دولت اگر نیازمند ذخیره‌سازی اقلام اساسی است باید اقدامات لازم برای این امر را انجام دهد. با توزیع مناسب و مدیریت درست باید از افزایش ناگهانی قیمت اقلام اساسی جلوگیری شود. ۳) همزمان با تأمین اقلام ضروری باید از واردات کالاهای غیرضروری و لوکس که ارزبری بالایی دارند جلوگیری شود. در شرایط بحرانی اولویت‌ها باید تغییر پیدا کنند.

۴) ایران زمینه‌بازگشت منابع به داخل کشور را فراهم سازد. ایران هنوز مسدود شده‌فایل توجهی در عراق، قطر، کره و حتی چین دارد. زمینه ورود این دارایی‌ها به کشور باید فراهم شود. در زمان جنگ ارز یکی از سلاح‌های مهمی است که می‌تواند اقتصاد و معیشت را از تکانه‌های پیرامونی حفظ کند. ۵) ایران باید روند فروش نفت خود را با روش‌های ابتکاری افزایش دهد. ضمن اینکه تا حد ممکن باید زمینه کاهش تخفیف‌های نفتی فراهم شود. در حال حاضر چین حدود ۹۰ درصد نفت ایران را می‌خرد و ۱۰ درصد باقی‌مانده صادرات نفتی ایران هم به روسیه و ونزوئلا انجام می‌شود. ایران باید مشتری‌های جدیدی پیدا کند. پاکستان می‌تواند به خریدار جدید نفت ایران بدل شود. گزارش‌های اخیر بین‌المللی حاکی است که ایران صادرات نفت خود را از ۱.۵ میلیون بشکه به ۱.۸ میلیون و حتی ۲.۲ میلیون بشکه رسانده است. این روند افزایش فروش نفت باید تقویت شود.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت - ۲

تدابیر اقتصادی در دوران پساجنگ

یکی از نگرانی‌های جدی که همزمان با آغاز تهاجم اسرائیل علیه کشورمان ایجاد شد تأثیری بود که این جنگ در شاخص‌های اقتصادی مرجع به خصوص نرخ ارز و طلا ممکن بود به جای بگذارد. بسیاری از

تحلیلگران از قبل پیش‌بینی می‌کردند اگر تهاجمی نظامی علیه ایران صورت بگیرد، احتمال اینکه نرخ ارز به رکوردهای ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان هم برسد، وجود دارد. با توجه به تجربیات کشورمان از نوسانات ارزی سال‌های قبل یک چنین احتمالی چندان دور از ذهن نبود، اما خوشبختانه عملکرد دولت، بانک مرکزی و سایر ساختارهای اقتصادی به گونه‌ای بود که بازار ارز و اقلام مصرفی با کمترین تلاطم جنگ ۱۲ روزه را پشت سر گذاشتند. متأسفانه اما برخی افراد و گروه‌ها و حتی رسانه‌ها دست به اقداماتی می‌زنند که باعث نوسان در بازار می‌شود. مثلاً کارشناسی در

صدا و سیما حضور پیدا کرده و بدون هیچ فکت و دلیل قانع‌کننده‌ای ناگهان اعلام می‌کنند، اسرائیل طی هفته آینده به ایران حمله می‌کند! این نوع صحبت‌ها انتظارات تورمی را تقویت کرده و باعث افزایش نرخ ارز می‌شود و تلاش بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و کلیت دولت را عقیم می‌سازد. بیان این اظهارنظر در صفحه مجازی افراد ممکن است بی‌اهمیت باشد اما وقتی در صدا و سیما چنین مطالبی بیان می‌شود، قطعاً نوسانات تورمی شکل می‌دهد. در این مرحله پرسشی که شکل می‌گیرد آن است که زین پس که ظاهراً در مرحله آتش‌بس قرار داریم، متولیان اقتصادی با استفاده از چه مکانیسم‌هایی می‌توانند وضعیت بازارها را متعادل کرده و ثبات ایجاد کنند؟ به نظرم با شکل‌گیری جنگ ۱۲ روزه و دوران آتش‌بس اولویت‌های اقتصادی کشور با تغییراتی همراه می‌شود. در واقع گارد کشور در یک چنین شرایطی با تغییراتی همراه خواهد شد.

۱) در وهله نخست ایران باید توان دفاعی و نظامی

تعادل | روز ملی صنعت و معدن، به دلیل شرایط خاص امنیتی به زمان دیگری موکول شده‌است، اما به گفته صاحبان صنعت، صنعت و معدن کشور بیش از همیشه تحت فشار قرار دارد. از یک سو تداوم تحریم‌های اقتصادی و از سوی دیگر چالش‌های داخلی مانند قطعی برق، کاهش نقدینگی صنایع کوچک، فرسودگی تجهیزات و مشکلات در صادرات، فعالان این حوزه را با چالش‌های مضاعفی روبرو کرده‌است. با این حال، تولیدکنندگان ایرانی با اتکا به توان داخلی، مسیر رشد را ادامه داده‌اند. به گفته تحلیل‌گران، تألی‌آوری صنعت ایران در برابر بحران‌ها، یکی از مهم‌ترین

مسکن در مسیر طبیعی حرکت می‌کند

تکذیب ریزش قیمت در پایتخت

و هیجانات مقطعی، در مسیری متعادل و مبتنی بر منطق عرضه و تقاضا قرار دارد. در همین راستا، دودبگی نژاد، نائب‌رییس دوم اتحادیه مشاوران املاک تهران، با رد قاطعانه گمانه‌زنی‌های مربوط به سقوط قیمت‌ها، تأکید کرده‌است که بازار در حال پیمودن «مسیر طبیعی خود» است و شرایط فعلی به هیچ عنوان نشانه‌ای از بحران ندارد. او در گفت‌وگو با ایرنا گفت: «بازار مسکن مسیر طبیعی خود را طی می‌کند» و با اشاره به تجربه تاریخی مردم پایتخت...

بازار مسکن پایتخت در هفته‌های اخیر، در حالی مسیر خود را با ثبات و بدون نوسانات شدید طی می‌کند که فضای عمومی جامعه به واسطه تحولات سیاسی و نظامی اخیر دچار التهابات روانی شده‌است. در این میان، برخی تحلیل‌ها و شایعات فضای مجازی از ریزش قیمت مسکن در تهران خبر می‌دادند و سعی داشتند تصویری بحرانی از آینده این بازار ارایه دهند. اما شواهد میدانی و اظهارات مقام‌های صنفی حاکی از آن است که بازار مسکن نه تنها دچار فروپاشی یا افت شدید نشده، بلکه با عبور از حواشی

یادداشت - ۴

ضرر به به اعتماد سهامداران

سرمایه خویش و سخت‌تر شدن امکان فروش سهام است. چنین روندی در بلندمدت تهدیدی جدی برای انگیزه سرمایه‌گذاران و ورود نقدینگی جدید به بازار محسوب می‌شود. دولت با این میزان ناترازی‌های متعدد و بدهی‌های بالا روبه‌رو است، با این شرایط، دولت نه توان و نه اولویتی برای حمایت بلندمدت از بازار سرمایه ندارد. اگر هم حمایتی صورت بگیرد، کاملاً مقطعی است و نه تنها در بلندمدت اثر ندارد، بلکه می‌تواند تضییع و دستوری را نمی‌توانیم بپذیریم. وقتی واقعا تصمیمی نظیر کاهش تولید در شرکت‌ها، محرومیت از صادرات یا افزایش قیمت تمام شده رخ داده، نباید انتظار داشته باشیم که با تزریق پول بتوانیم جلوی اصلاح بازار که حرکت طبیعی آن است را بگیریم. در شرایطی که مذاکرات سیاسی در کشور همچنان پلان‌کنیست مانده و افاق روشنی پیش روی اقتصاد دیده نمی‌شود، افزایش نااطمینانی و عدم شفافیت نه تنها سرمایه‌گذاران را سردرگم ساخته، بلکه موجب شده بازار سرمایه از مسیر اصلی خود یعنی حمایت از رشد تولید و تأمین مالی شرکت‌ها دور بماند. توقف طولانی مدت معاملات و رویکرد انفعالی سازمان بورس در روزهای بحران، بازتاب خود را به شکل بی‌اعتمادی مضاعف و خروج سرمایه بر جای گذاشته؛ در حالی که روش‌های جایگزین مدیریت ریسک و حمایت از بازار وجود داشت و همچنان امکان اصلاح و تجدیدنظر در تصمیم‌های سیاستی هست.

اگرچه شرایط بحرانی و احتمال بروز ریسک‌های نظامی و اقمعیتی جدی است، اما تجربه اخیر نشان داد بزرگ‌ترین تهدید برای بورس تهران نه فقط تحریم و جنگ، بلکه تصمیمات شتابزده و غیرتخصصی در مدیریت بازار سرمایه است. احیای اعتماد سهامداران و بازگشت آرامش به بازار، بیش از هر چیز نیازمند بازنگری در سیاست‌گذاری و واگذاری تصمیم‌گیری به ارکان حرفه‌ای و تخصصی بازار سرمایه است.

در حالی که بورس تهران سومین روز متوالی قرمزپوشی کامل را پشت سر گذاشت، شاخص کل بازار با سقوطی نزدیک به ۲۰۰ هزار واحد ظرف سه روز، بار دیگر عمق نگرانی فعالان و سهامداران را عیان ساخت. هرچند درصد منفی و تعداد نمادهای منفی دیگر به آمارسنجی نیاز ندارد و تنها معدود شرکت‌هایی مثبت ماندند، اما روند معاملات به وضوح از بی‌اعتمادی و نگرانی عمیق حکایت می‌کند. در روزهای گذشته، نه فقط سهام شرکت‌ها که حتی معاملات صندوق‌های سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت نیز متوقف شد؛ اقدامی کم‌سابقه که حتی وجه نقد سپرده‌گذاری شده در بانک‌ها را نیز قفل کرد و نگرانی‌ها در باره دسترسی سرمایه‌گذاران به منابعشان را دوچندان ساخت. شدت تهدیدی که امروز بازار احساس می‌کند، نه صرفاً ناشی از تبعات مستقیم بحران‌های جغرافیایی یا سایه جنگ، بلکه ریشه اصلی آن در تصمیم‌های داخلی و توقف ناگهانی و کامل معاملات نهفته است. در کوتاه‌مدت شاهد خسارت جدی عملیاتی به شرکت‌ها نبودیم، اما واکنش قوی بازار نشان می‌دهد که فضای روانی بر واقعیت‌های اقتصادی سنگینی دارد و اعتماد عمومی به شدت آسیب دیده است؛ به‌ویژه آنکه حجم بالای فروش حقیقی‌ها و ثبت صف‌های فروش متوالی نتیجه‌ای جز ادامه‌دار شدن افت شاخص و کاهش حجم معاملات به دنبال نداشته است. یکی از مسائل کلیدی این روزها، تأثیرات تصمیمات غیرکارشناسی و امنیتی بر فرآیندهای معاملاتی بورس است؛ تصمیم‌هایی که نه تنها با منطق اقتصادی همراه نبوده، بلکه با نگاه مصلحت‌اندیشانه و دخالت‌نهادی خارج از دایره تخصص بازار اتخاذ شده و نتیجه آن محرومیت سهامدار از دسترسی به



فریدین آقابازرگی



به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست

سامانه پیامکی روزنامه تعادل

مخاطبان عزیز می‌توانند نظر‌ها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.